

یافته های نو در روان شناسی

سال پنجم. شماره ۲۰. پائیز ۱۳۹۰

صفحات مقاله: ۴۰-۲۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۳/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۰

## مقایسه ناتوانی هیجانی، دلبستگی و استرس بین کارکنان مرد و زن متاهل شرکت ملی حفاری اهواز

دکتر علیرضا حیدری\*  
زهره نامجو سنگری\*\*

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه ناتوانی هیجانی، سبک‌های دلبستگی و استرس (فشار روانی) در بین کارکنان زن و مرد متاهل شرکت ملی حفاری اهواز بود. نمونه شامل ۲۰۰ کارمند (۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن) بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در سال ۱۳۸۹ انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها دربرگیرنده مقیاس ناگویی خلقی تورنتو TAS ۲۰، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی و پرسشنامه استرس هلمز و راهه بود. این تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای بود. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار بین کارکنان زن و مرد از لحاظ ناتوانی هیجانی بود و نتایج نشان دهنده ناتوانی هیجانی بالاتر مردان نسبت به زنان می‌باشد. همچنین تفاوت معنی‌دار بین کارکنان زن و مرد از لحاظ استرس وجود داشت و زنان استرس بیشتری را نسبت به مردان از خود نشان دادند. اما از لحاظ سبک‌های دلبستگی تفاوت معنی‌داری بین کارکنان زن و مرد مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: ناتوانی هیجانی، سبک‌های دلبستگی، استرس، کارکنان زن و مرد.

---

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، استادیار گروه روان‌شناسی عمومی، اهواز، ایران  
\*\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

هر سازمانی با نیروی انسانی ایجاد و بدون آن هیچ سازمانی قادر به ادامه حیات نخواهد بود. و از آنجایی که امروزه بیشتر زنان و مردان در سراسر دنیا شاغل هستند بنابراین شناخت نیازها، تمایلات، انگیزه و هیجانانشان نه تنها لازم است بلکه جهت اتخاذ سیاست های صحیح، راهبرد های مناسب و برنامه های موثر ضروری میباشد.

ویژگی های زندگی اجتماعی و لزوم تعامل با دیگران، کاربرد بسیاری از هیجانها را که روزگاری از بهترین و در دسترس ترین ابزارهای بشری بودند، تحت الشعاع خود قرار داده است. در جامعه متمدن امروزی ماهیت مشکلاتی که برای بشر به وجود می آید، متفاوت از نوع مشکلاتی است که انسانهای اولیه با آنها رو به رو بوده اند. مشکلات امروزی ما بیشتر در قالب ارتباطهای انسانی رخ می نماید که استفاده از راهکار جنگ و گریز، یعنی برخوردهای هیجانی و انفعالی شدید، در مقابله با آنها ناکارآمد است (قربانی، ۱۳۸۰).

ناتوانی هیجانی<sup>۱</sup> سازه ای است که برای اولین بار توسط سیفنوس (۱۹۷۳)<sup>۲</sup> مطرح شد و عبارتست از ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجانان (تایلور<sup>۳</sup>؛ به نقل از حشمتی، قربانی، رستمی، احمدی و اخوان، ۱۳۸۹).

ناتوانی هیجانی یا آلکسی تایمی از ترکیب دو لغت Lexis (بیان کردن) و Thymos (احساسات) تشکیل شده است و به معنای فقدان ابراز احساسات است. آلکسی تایمی یک اختلال نیست بلکه یک صفت در نظر گرفته شده است (سرانی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰).

این سازه متشکل است از دشواری در شناسایی احساسات<sup>۵</sup>، دشواری در توصیف احساسات<sup>۶</sup> و جهت گیری فکری بیرونی. این مشخصه ها که سازه ناتوانی هیجانی را تشکیل می دهند بیانگر نقایصی در پردازش شناختی و تنظیم هیجانان می باشند. از دیدگاه علوم شناختی، هیجانها به عنوان دسته ای از طر حوارهای مبتنی بر پردازش اطلاعات شناخته می شوند که شامل فرایندها و تجسمهای نمادین و غیر نمادین هستند (لامینت<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). افرادی که به ناتوانی هیجانی مبتلا می شوند قادر به تشخیص و تمیز دادن هیجانهای خود نیستند و نمی توانند افکار و احساسات خود را درک و توصیف کنند (لی<sup>۸</sup>، یو<sup>۹</sup>، چو<sup>۱۰</sup>، کوح<sup>۱۱</sup> و کیم<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۰).

ناگویی خلقی مشخصات خاصی دارد. در سطح شناختی، فکر کردن و به کلام درآوردن به صورت

1. Alexithymia
2. Sifneos
3. Taylor
4. Serani
5. difficulty in identifying feelings
6. difficulty in describing feelings
7. Luminet
8. Lee
9. Yu
10. Cho
11. Koh
12. Kim

عینی است و از نظر جزئیات وقایع بیرونی فرد، غنی است. ظرفیتی تقریباً محدود و یا فقدان ظرفیت برای سمبول سازی، تخیل کردن و تداعی نمودن، وجود دارد. فراوانی رویاها کم است و از ویژگی های ساده ای برخوردارند. یک فرد الکسی تیمیک در رویاهای خود فقر افکار و تداعی ها را در مورد رویاهایش دارد. در ارتباط با عواطف، فقدان ظرفیت منجر به شکست در تشخیص احساسات این چینی و به کلام در آوردن آنها می شود. استفاده از زبان خالی از رنگ عاطفی است. بسیاری نویسندگان، تکرار را به عنوان پدیده ای مشخص کننده تلقی می کنند. این بدان معنا است که فرد دیگر ترجمان گسترده ای از تصویر خود<sup>۱</sup> را با تفاوت های جزئی و عاری از ویژگی های شخصی واقعی، دریافت کرده است. به نظر می رسد این مسئله مربوط به فقدان ظرفیت در شکل دهی الگوهای صحیح درون سازی ها، تشخیص ها و برون فکنی ها است، که می تواند نتیجه ی فقدان تمایزات عاطفی در گیر در مسئله باشد (دن هولاندر<sup>۲</sup>، بروچین<sup>۳</sup> و تریجبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱، به نقل از میجر - دیگن و لانسن، ۲۰۰۶). در تحقیقات اخیر روی این نکته نیز تحقیق شده است که در ناگویی خلقی نه تنها مشکل بیان احساسات به صورت کلامی وجود دارد بلکه نقایصی نیز در فرآیند شناختی مشاهده می شود و این امر باعث می شود هیجانان نامتمایز و تنظیم نیافته باقی بمانند (تیلور و بگبای، ۲۰۰۰).

کاهش ابراز هیجانان اساساً بیانگر نوعی فقدان یا بد تنظیمی هیجانان است. به همین صورت آسیب در ظرفیت های پردازش هیجانی<sup>۵</sup> و تنظیم هیجانی<sup>۶</sup> مبتنی بر ناتوانی هیجانی، ممکن است یک عامل خطر احتمالی برای انواع بیماری های پزشکی و روانپزشکی از جمله اختلالات سایکوتیک باشد (پارکر<sup>۷</sup> و تیلور و بگبای، ۲۰۰۱؛ به نقل از حشمتی و همکاران، ۱۳۸۹).

افراد مبتلا به ناتوانی هیجانی، تهییج های بدنی بهنجار را بزرگ می کنند و نشانه های بدنی انگیزندگی هیجانی را بد تفسیر می کنند. اعتقاد بر این است که ناتوانی هیجانی عامل خطر ساز برای بسیاری از اختلالات روانپزشکی است، زیرا افراد مبتلا به این عارضه بسیار تحت فشار همبسته های جسمانی هیجانی هستند که به کلام در نمی آیند. این نارسایی مانع تنظیم هیجانان شده، سازگاری موفقیت آمیز را دشوار می سازد. افراد مبتلا به آلکسی تایمی برای بیان احساساتشان دست به فعالیت های غیر کلامی مخربی می زنند. رفتارهایی نظیر پاره کردن، شکستن اشیاء، الکل نوشی و مصرف مواد مخدر مثال هایی از این گونه فعالیت ها هستند (سرانی، ۲۰۱۰).

یکی دیگر از مهمترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی دلبستگی است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است، در سنین بعدی ادامه می یابد. دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می کنیم، طوری که باعث می شود وقتی با آنها تعامل می کنیم، احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آنها را

1. Self
2. Den Hollander
3. Bruijn
4. Trigsburg
5. Processing emotional
6. Emotional regulation
7. Parker

در کنار خود داریم، احساس آرامش کنیم. دلبستگی یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت، مراقبت و آسایش می باشد. جان بالبی پژوهش های گسترده ای درباره مفهوم دلبستگی به عمل آورد. او دلبستگی را چنین توصیف کرده است: «ارتباط و پیوند روانی پایدار بین دو انسان» (بالبی، ۱۹۸۹). بالبی عقیده داشت که دلبستگی دارای چهار ویژگی مختلف است:

حفظ نزدیکی، تمایل به نزدیک بودن به کسانی که به آن ها دلبستگی داریم. پناهگاه امن، بازگشت نزد فردی که به آن دلبستگی داریم به هنگام مواجه شدن با خطر یا تهدید. پایه مطمئن، فردی که به آن دلبستگی وجود دارد، پایه مطمئن و قابل اتکایی برای کودک به وجود می آورد تا به کشف محیط و جهان پیرامونش بپردازد.

اندوه جدایی، اضطراب ناشی از عدم حضور فردی که به آن دلبستگی وجود دارد. دلبستگی یک الگوی رفتاری خاص است که در اکثر جوامع برای رشد شخصیت سالم اهمیت حیاتی دارد و زمانی دلبستگی ایمن بوجود می آید که کیفیتی متقابل و خوشایند بین افراد شکل گرفته و رضایت بخش و مایه خوشی باشد. کارن هورنای پس از سال ها مطالعه و بررسی به این نتیجه رسید که انگیزه اصلی رفتار انسان، احساس امنیت است. به باور او، اگر فرد در رابطه با اجتماع به خصوص در رابطه با خانواده، احساس امنیت خود را از دست بدهد دچار اضطراب اساسی می شود (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵).

سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی تأثیر می گذارد و تحقیقات بسیاری درباره آن انجام شده است. شواهد فراوانی گویای آن است که افراد در جوامع امروزی برای برقراری، حفظ و ارتباط صمیمی و درک احساسات از جانب دیگران با مشکلات فراوانی درگیرند. در حقیقت این معضل سبب پریشانی در روابط بین فردی شده است (حمیدی، ۱۳۸۶).

تحقیقات انجام شده در مورد دلبستگی نشان دهنده تأثیر تجارب اولیه دلبستگی بر ارتباطات آینده شخص، افزون بر راهبردهای تنظیم هیجانها در بزرگسالی است. شواهد تحقیقی بسیاری در دسترس است که نشان از ثبات سبک دلبستگی از کودکی تا بزرگسالی و حتی انتقال آن در بین نسلها دارد (گلدبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). تحقیق در مورد بزرگسالان و بزرگسالی نشان داده است کسانی که از دلبستگی ایمن برخوردارند، عواطف منفی کمتری را گزارش می کنند و ارتباطات عمیق تری با کسانی برقرار می کنند که در هنگام ناراحتی عاطفی به آنها نیاز دارند. افرادی که دارای دلبستگی ناایمن هستند تجارب عاطفی مثبت کمتری از کسانی که دلبستگی ایمن دارند تجربه می کنند و ناتوانی هایی در تنظیم اضطراب و افسردگی و عواطف منفی نشان می دهند (پارکر، ۱۹۸۲؛ به نقل از حکیم جواد، مظاهری، لواسانی و باباریع، ۱۳۸۶). دلبستگی عبارت است از رابطه عاطفی پایدار که شخصی با شخص دیگر برقرار می کند. بنابراین، دلبستگی از طریق رفتارهایی منعکس می شود که نزدیکی و تماس را مساعد می کنند (وندر زندن، ۲۰۰۱، ترجمه گنجی، ۱۳۸۵).

به عبارتی دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می کنیم، به

1. Bowlby
2. Goldberg

طوری که باعث می شود وقتی با آنها تعامل می کنیم، احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از این که آنها را در کنار خود داریم، احساس آرامش کنیم. نوباوگان در پایان سال اول زندگی، به افراد آشنایی که نیازهای جسمانی و تحرک آنها را برآورده کرده اند، دلبسته می شوند (برک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵).

نظریه دلبستگی رانخستین بار جان بالبی<sup>۲</sup> مطرح کرد. به عقیده بالبی، دلبستگی زمانی به وجود می آید که «رابطه ای گرم، صمیمانه و پایا بین کودک و مادر که برای هر دو رضایت بخش و مایه لذت است» وجود داشته باشد. دلبستگی که از دیدگاه تحولی، پیوند عاطفی<sup>۳</sup> بین مادر - کودک است یک رابطه نسبتاً پایدار است که در آن انگاره دلبستگی<sup>۴</sup> به عنوان یک موضوع بی همتا و غیرقابل جایگزین با فرد دیگر مطرح می شود. در این رابطه فرد تمایل زیادی برای تداوم صمیمت و نزدیکی با نگاره دلبستگی دارد و در هنگام غیبت آن، تلاشی برای برقراری مجدد مجاورت و تعامل صورت می دهد. دلبستگی یک رابطه عاطفی است و آشناترین مثال آن رابطه ایست که بین شیرخوار و مراقبت کننده اولیه اش ایجاد می شود. این رابطه دارای ویژگی هایی است که آن را از انواع دیگر روابط جدا می کند

استرس متغیر دیگری است که در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار می گیرد. استرس عبارت است از واکنشهای فیزیکی، ذهنی و عاطفی که در نتیجه تغییرات و نیازهای زندگی فرد، تجربه می شوند. تغییرات می توانند بزرگ یا کوچک باشند. پاسخ افراد به تغییرات زندگی متفاوت است. استرس مثبت می تواند یک انگیزش دهنده باشد در حالی که استرس منفی می تواند در زمانی که این تغییرات و نیازها، فرد را شکست می دهند، ایجاد شود. به عبارتی دیگر استرس را می توان این گونه تعریف کرد: "پاسخ عمومی و غیر اختصاصی بدن در جهت حفظ هموستاز به هر عاملی که موجب تهدید یا برهم خوردن توانایی های جبرانی بدن گردد" (اسروود<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱).

به طور کلی می توان گفت: استرس یا فشار روانی یک اصطلاح کلی برای بیان الگوهای از پاسخهای روانی و فیزیولوژیک به تحریکات هیجانی و فیزیکی است. پاسخهای فشار روانی وقتی بروز پیدامی کنند که ظرفیت برای سازش با نیازهای بدن تحت فشار قرار گیرد.

استرس های منفی (دیسترس<sup>۶</sup>) که مربوط است به ترس، خشم و خستگی روزمره افراد و با کلماتی از قبیل ناکامی، خشم، ترس، سردرگمی، سرخوردگی... از آنها یاد می کنند و منشاء آنها را در هیجانات و تنش های عصبی و وضعیت های پر فشار زندگی می دانند.

در واقع استرس عبارت است از هر نوع رویدادی که چه از لحاظ ذهنی و چه از لحاظ جسمی فشاری بر بدن وارد نماید. شباهت های موجود در هر سه نوع فشار روانی که به آنها اشاره شد، باعث شده است که بیشتر به اثرات منفی فشار روانی توجه نمائیم، در واقع در زبان انگلیسی برای بیان هر یک از فشارهای

1. Berk
2. Bowlby
3. Affectional bond
4. Attachment figure
5. Sherwood
6. Distress

مثبت و منفی کلمات متفاوتی وجود دارد. دیسترس که اشاره به حوادث بد و ناخوشایند دارد. استرس برای حوادث خوب و خوشایند بکار می رود و کلمه دیسترس بر اثر فرایند حذف به کلمه متداول و روزمره استرس یا فشار روانی تبدیل شده است.

بنابراین فشار روانی می تواند به عنوان زیرمجموعه ای از مفهوم سازگاری با فرآیند حفظ تعادل سایکوفیزیولوژیک در تداخل با محیط تعریف گردد. و از آنجائیکه هر فرد برداشت و مفهومی متفاوت از کلمه فشار روانی دارد، می توان گفت که: فشار روانی پاسخ کامل بدن (شامل پاسخ های عقلانی هیجانی و فیزیولوژیک) به تحریکی است که توسط خود آگاه یا ناخود آگاه ما به عنوان یک عامل آزارنده یا تهدید کننده درک و دریافت می شود. این پاسخها به عنوان یک مکانیزم حفاظتی عمل می کند که باعث وفق دادن و سازگاری فرد با تعدیل عامل تهدید کننده می شود و بسته به نوع، قدرت و مدت تحریکات درجات مختلفی داشته و با مشخصات هر فردی تغییر می کند. امروزه فشار روانی به خاطر استفاده متعدد از آن، با وجود منابع و تعاریف مختلف هنوز در حاله ای از ابهام قرار دارد. معمولاً فشار روانی را با کلماتی مانند: فشار، اضطراب، ناکامی، درد و غیره مرتبط می دانیم.

علایم شایع استرس به علایم فیزیکی، عاطفی و رفتاری تقسیم می شوند. علایم فیزیکی: گرفتگی عضلانی، سردرد، درد قفسه سینه، ناراحتی معده، اسهال یا یبوست، افزایش ضربان قلب، دستهای سرد و مرطوب، خستگی، تعریق شدید، بشورات، تنفس سریع، لرز، تیک، تحریک پذیری، کم اشتها یا بی اشتها، ضعف، احساس خستگی و گیجی. علایم عاطفی: عصبانیت، اعتماد به نفس پایین، افسردگی، بی تفاوتی، تحریک پذیری، ترس و پاسخ های هراسی، اشکال در تمرکز، احساس گناهکاری، نگرانی، بی قراری، اضطراب و وحشت. علایم رفتاری: سوء مصرف الکل یا مواد مخدر، افزایش مصرف سیگار، اختلالات خواب، پر خوری، کاهش حافظه و منگی.

بدن در یک موقعیت پر استرس با افزایش تولید هورمونهای خاصی جواب می دهد که باعث تغییراتی در ضربان قلب، فشار خون، متابولیسم و فعالیت در زمان ابتلا به این بیماری فیزیکی می گردد. عوامل استرس زا می توانند کوتاه مدت باشند (استرس حاد) و یا به صورت روزانه ایجاد شوند (استرس مزمن). انواع گوناگونی از عکس العملها در پاسخ به عوامل استرس زا دیده می شود که از مهم ترین آنها الگوی فعال ستیز و گریز (سیستم سمپاتیک - مدولاری آدرنال) و الگوی غیر فعال (سیستم قشری - آدرنالی - هیپوفیزی که شامل محور هیپوتالاموسی - هیپوفیزی - می شود) می باشند (کوهن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

در قرن حاضر که عصر فشار روانی، اضطراب و مواجهه نامیده می شود، توانایی کنترل هیجانهای ناگوار، در سلامت هیجانی، اهمیت خاصی دارد. افرادی که دچار ناتوانی هیجانی می باشند سردی در روابط و عدم ابراز وجود بیشتر و استرس کمتری را نشان می دهند (ون هیول<sup>۲</sup> و دسمت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). کسانی که در درک و تشخیص عواطف دچار ناتوانی هیجانی می باشند در هنگام روی دادن وقایع استرس زا،

1. Cohen
2. Vanheule
3. Desmet

استرس کمتری را تحمل می کنند. تحقیقات حاکی از رابطه منفی استرس با دلبستگی ایمن و رابطه مثبت استرس با دلبستگی های اجتنابی و دوسوگرا هستند (کانلی<sup>۱</sup> و دنی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ لین<sup>۳</sup>، ژائو<sup>۴</sup> و یان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). در تحقیق حاضر با توجه به اهمیت اولین روابط دلبستگی در تعیین هیجان های بعدی و رابطه ای که بین دلبستگی و ناتوانی هیجانی وجود دارد، این دو مؤلفه به همراه میزان استرس در افراد متأهل مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. بدین ترتیب هدف از پژوهش حاضر مقایسه ناتوانی هیجانی، دلبستگی و استرس در بین کارکنان زن و مرد متأهل در شرکت ملی حفاری اهواز است.

#### فرضیه های مورد پژوهش عبارتند از:

- فرضیه ۱- بین کارکنان زن و مرد از لحاظ ناتوانی هیجانی تفاوت وجود دارد.
- فرضیه ۲- بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دلبستگی ایمن تفاوت وجود دارد.
- فرضیه ۳- بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دلبستگی دوسوگرا تفاوت وجود دارد.
- فرضیه ۴- بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دلبستگی اجتنابی تفاوت وجود دارد.
- فرضیه ۵- بین کارکنان زن و مرد از لحاظ استرس تفاوت وجود دارد.

#### روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع علی پس از وقوع است. هدف از این طرح یافتن علت های احتمالی یک الگوی رفتاری است. این روش را غالباً پس رویدادی نیز می نامند، زیرا اشاره به مواردی دارد که در آنها علت از پیش رخ داده است و مطالعه آن در حال حاضر از طریق اثری که بر متغیر دیگر گذاشته، صورت می گیرد. در علوم رفتاری به این دلیل از این طرح استفاده می شود که محقق بسیاری از روابطی را که علاقمند به مطالعه و بررسی آنها می باشد، نمی تواند کنترل و دستکاری نماید. در تحقیق حاضر، محقق به مقایسه ناتوانی هیجانی، سبک های دلبستگی و استرس (فشار روانی) در بین کارکنان زن و مرد متأهل شرکت ملی حفاری اهواز می پردازد.

نمونه این تحقیق مشتمل بر ۲۰۰ نفر از کارکنان (۱۰۰ نفر از کارکنان زن و ۱۰۰ نفر از کارکنان مرد) از جامعه مذکور می باشد که برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده گردید.

#### ابزار پژوهش

در این پژوهش به منظور اندازه گیری متغیرهای مورد نظر از ابزارهای زیر استفاده شده است:

- الف) پرسشنامه ناتوانی هیجانی
- ب) پرسشنامه سبک های دلبستگی
- ج) پرسشنامه استرس هلمز و راهه

1. Connelly  
2. Denney  
3. Lin  
4. Zhao  
5. Yan

د) پرسشنامه استرس ادراک شده (برای اعتبار یابی)

مقیاس ناتوانی هیجانی تورنتو (TAS-20)

این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط تیلور ساخته شد و در سال ۱۹۹۴ توسط بگبی، تیلور و پارکر تجدیدنظر گردید. اولین نسخه مقیاس، ۲۳ سوالی بود (TAS-R - تجدیدنظر شده). در این نسخه تمام سوالاتی که فعالیت تخیلی ارزیابی می کرد، حذف شد (تیلور و همکاران، ۱۹۹۲، به نقل از لووآس و همکاران، ۲۰۰۱). در این مقیاس، سازه ناگویی خلقی در سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساسات<sup>۱</sup> (DIF)، دشواری در توصیف احساسات<sup>۲</sup> (DDF) و تفکر با جهت گیری خارجی<sup>۳</sup> (EOT) ارزیابی می شود. خرده مقیاس اول شامل ۷ ماده می باشد (۱-۳-۶-۷-۹-۱۳-۱۴) که توانایی آزمودنی در شناسایی احساسات و تمایز میان احساسات با حسهای بدنی را ارزیابی می کند. زیر مقیاس دوم ۵ ماده دارد (۱۷-۱۲-۱۱-۴-۲) که توانایی شخص در بیان احساسات و این که آیا قادر است احساسات خودش را در قالب لغات بیان کند یا خیر، را می سنجد. خرده مقیاس سوم ۸ ماده دارد (۲۰-۱۹-۱۸-۱۶-۱۵-۱۰-۸-۵) و میزان درون نگری<sup>۴</sup> و عمیق شدن فرد در احساسات درونی خود و دیگران را بررسی می کند. شیوه نمره گذاری آزمون بر اساس مقیاس لیکرت (۱ کاملاً مخالف تا ۵ کاملاً موافق) نمره گذاری می شود. تنها شماره های ۴، ۱۰، ۱۸ و ۱۹ به صورت معکوس نمره گذاری می شود).

پایایی مقیاس TAS20

ویژگی های روان سنجی مقیاس ناگویی خلقی تورنتو-۲۰ در پژوهش های متعددی بررسی و تایید شده است (پارکر، تیلور و بگبی، ۲۰۰۳؛ پالمر<sup>۵</sup>، گیگانس<sup>۶</sup>، مانوچا<sup>۷</sup> و سیوف<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴؛ پندی<sup>۹</sup>، مندال<sup>۱۰</sup>، تیلور و پارکر، ۱۹۹۶؛ تیلور و بگبی، ۲۰۰۰؛ کللند<sup>۱۱</sup>، ماگورا<sup>۱۲</sup>، فوت<sup>۱۳</sup>، روزنبلوم<sup>۱۴</sup> و کازانکه<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۵). محمد (۱۳۸۰) میزان پایایی برای این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای کل مقیاس  $\alpha=0/81$  و سه مؤلفه ی آن  $\alpha=0/78$ ،  $\alpha=0/75$ ،  $\alpha=0/66$  محاسبه نموده است. بشارت (۲۰۰۷) نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه ناگویی خلقی و سه مؤلفه ی دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی (تفکر با جهت گیری بیرونی) را به ترتیب

1. Difficulty Identifying Feelings
2. Difficulty Describing Feelings
3. Externality Oriented Thinking
4. Introspection
5. Palmer
6. Gignac
7. Manocha
8. Syough
9. Pandy
10. Mandal
11. Cleland
12. Magura
13. Foote
14. Rosenblum
15. Kosanke



۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه کرده است که نشانه‌ی همسانی درونی<sup>۱</sup> خوب مقیاس است. هم‌چنین پایایی باز آزمایی این مقیاس را در یک نمونه‌ی ۶۷ نفری از دانش‌جویان در دو نوبت با فاصله‌ی چهار هفته از  $I=0/80$  تا  $I=0/87$  برای کل ناگویی خلقی و زیر مقیاس‌های مختلف آن تایید کرده است.

### روایی مقیاس TAS-۲۰

پارکر، بگبای و تیلور (۲۰۰۰)، به نقل از خسرو جاوید، (۱۳۸۰) همبستگی نمره کل مقیاس ناگویی خلقی (TAS-۲۰) را با نمره کل هوش هیجانی، (EQ-I)،  $I=0/47$  محاسبه کرده‌اند.

بشارت (۲۰۰۷) نیز روایی همزمان مقیاس را برحسب همبستگی بین زیرمقیاس‌های این آزمون و مقیاس‌های هوش هیجانی، بهزیستی روان‌شناختی<sup>۲</sup> و درماندگی روان‌شناختی<sup>۳</sup> بررسی کرد و نتایج مورد تایید قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در مقیاس ناگویی خلقی کل با هوش هیجانی ( $P<0/001$  و  $r=0/80$ )، بهزیستی روان‌شناختی ( $P<0/001$  و  $r=0/78$ ) و درماندگی روان‌شناختی ( $P<0/001$  و  $r=0/44$ ) رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های ناگویی خلقی و متغیرهای فوق نیز معنی‌دار بودند. نتایج تحلیل عاملی تاییدی<sup>۴</sup> نیز وجود سه عامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر با جهت‌گیری بیرونی را در نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی خلقی تورنتو-۲۰ تایید کرد (بشارت (۲۰۰۰)).

در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه ناتوانی هیجانی از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۷۷ که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب قبول پرسشنامه مذکور است می‌باشد (جدول ۱ را ملاحظه نمایید).

جدول ۱. ضرایب پایایی پرسشنامه ناتوانی هیجانی در تحقیق حاضر

ضرایب پایایی		شاخص آماری
تنصیف	آلفای کرونباخ	
۰/۷۷	۰/۸۰	کل پرسشنامه ناتوانی هیجانی

همانطوری که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود ضرایب پایایی پرسشنامه ناتوانی هیجانی بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۰ نوسان دارد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه یاد شده نیز نمره آن را با نمره پرسشنامه استرس (فشار روانی) هلمز و راحه همبسته نمودیم و مشخص گردید که رابطه مثبت معنی‌داری بین آنها وجود دارد ( $r=0/23$  و  $p<0/0001$ ) که بیانگر برخورداری پرسشنامه ناتوانی هیجانی از اعتبار لازم می‌باشد.

### ب) پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی

این پرسشنامه توسط سیمپسون (۱۹۹۰) ساخته شده است و هدف آن رفع نقص سه بند معروف هازن و شیور بوده است. این آزمون شامل ۱۳ جمله در مقیاس لیکرتی است که آزمودنی در پاسخ به هر سوال باید یکی از گزینه‌های طیف ۵ حالتی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) را انتخاب کند. از این ۱۳

1. internal consistency
2. Psychological Well-being
3. Psychological Distress
4. Confirmatory factor analysis

جمله، ۵ جمله برای ارزیابی سبک دلبستگی ایمن و ۸ جمله برای ارزیابی دو سبک دلبستگی اجتنابی و مضطرب دوسوگرا است. تحلیل عوامل این مقیاس و سایر مقیاس هایی که براساس سه عبارت هازن و شیور ساخته شده اند، دو بعد را آشکار ساخته اند که بعد اول «ایمن اجتنابی» که بعدها احساس راحتی به هنگام نزدیک شدن نامیده شد، بعد دوم «اضطراب درباره روابط» است (فینی، نولر و کالان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴، سیمپسون ۱۹۹۰، استراهان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱، همه به نقل از فینی، ۱۹۹۹) که به خصوص در سبک های دوسوگرا مشاهده می شود. این بعد در ارتباط با عشق، نگرانی نسبت به ترک شدن و نیاز به نزدیک شدن بیش از حد به دیگران مشخص می شود (رضا زاده، ۱۳۸۱).

اعتبار پرسشنامه: سیمپسون به منظور بررسی اعتبار این پرسشنامه از مقیاس عشق رابین (۱۹۷۰) و مقیاس وابستگی ساخته شده توسط برشید و فی<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) و مقیاس خود افشاگری (میلر<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۸۳) استفاده کرده.

عباسی، سرچشمه (۱۳۸۴) برای به دست آوردن اعتبار این آزمون، از سه سوال محقق ساخته و با توجه به تعریفی که هازن و شیور برای سه سبک دلبستگی ارائه می دهند، استفاده کرد. بدین منظور این سوال ها بانمره های سبک های دلبستگی مورد نظر همبسته شدند. سوال اول با سبک دلبستگی اجتنابی همیشه شد که ضریب همبستگی آن ۰/۵۹ بود که در سطح  $p < 0/01$  معنی دار بود. سوال دوم به سبک دلبستگی ایمن همبسته شود که ضریب همبستگی حاصل ۰/۵۴ و این ضریب نیز در سطح  $p < 0/01$  معنی دار بود و سوال سوم با سبک دلبستگی مضطرب- دوسوگرا همبسته شد که ضریب همبستگی آن ۰/۲۴ به دست آمده در سطح  $p < 0/05$  معنی دار بود. همچنین برای تعیین پایانی آزمون از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده کرد که ۰/۷۰ و ۰/۶۲ به دست آمد.

پایایی پرسشنامه: پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ و اجرای مجدد در فاصله های زمانی یک هفته تا دو سال، حدوداً ۰/۷۰ برآورد شده است (کرک پاتریک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶، کولنز<sup>۶</sup> و رید، ۱۹۹۰؛ سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۲ به نقل از رضا زاده، ۱۳۸۱).

رضا زاده (۱۳۸۱) پایایی این آزمون را به شیوه اجرای مجدد، برای نمونه ایرانی، در ۲۵ زوج اصلی و به فاصله زمانی ۶ هفته، ۰/۶۸ به دست آورد. همچنین اعتبار ثابت درونی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ در ۱۳۲ زوج، ۰/۷۴ به دست آمده است. عباسی سرچشمه، (۱۳۸۴) پایایی این آزمون را به شیوه آلفای کرونباخ و تصنیف محاسبه کرد که مقادیر آن به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۶۲ به دست آمده است. در تحقیق حاضر، ضرایب پایایی پرسشنامه سبک های دلبستگی نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف محاسبه گردید که به ترتیب ۰/۵۰ و ۰/۲۴ می باشد (جدول ۲ را ملاحظه نمائید).

1. Kallan
2. strahan
3. Bersheed & fec
4. Miller
5. Patrick
6. Colnez

جدول ۲: ضرایب پایایی پرسشنامه سبک های دلبستگی در تحقیق حاضر

ضرایب پایایی		شاخص آماری
تصنیف	آلفای کرونباخ	مقیاس
۰/۲۴	۰/۵۰	کل پرسشنامه
۰/۵۴	۰/۵۰	سبک دلبستگی ایمن
۰/۳۳	۰/۳۰	سبک دلبستگی دوسوگرا
۰/۳۵	۰/۴۳	سبک دلبستگی اجتنابی

همانطوری که در جدول ۲ مشاهده می شود ضرایب پایایی پرسشنامه سبک های دلبستگی بین ۰/۲۴ تا ۰/۵۰ نوسان دارد.

#### پرسشنامه استرس (فشار روانی) هلمز و راهه

مقیاس سازگاری مجدد اجتماعی (استرس) هولمز-راهه (SRRS)<sup>۱</sup>

به منظور نشان دادن تاثیر استرس ناشی از تغییرات عمده زندگی که عامل مشترک بین تمام انواع استرسها است، توماس هولمز ریچارد راهه در سالهای ۵۰-۱۹۴۰ میلادی از ۵ هزار نفر سوالاتی مبنی بر اولویت داده به اتفاقات و حوادث و تغییرات زندگی نمودند.

این مقیاس ۴۳ حادثه را که برخی تغییرات را در زندگی موجب می گردند فهرست کرده است و یک نمره که اصطلاحاً ارزش متوسط نامیده می شود) به هر حادثه اختصاص داده شده است. این نمره بنا بر درجات و اعتباراتی که در مورد نمونه های پیشمار افراد در رابطه با این حوادث در نظر گرفته شده است تعیین گردیده است. اصطلاحاً LCU<sup>۲</sup> برای واحدهای تغییر زندگی به کار می رود. هر ICU ضربدر تعداد دفعاتی که حادثه در ۲ سال گذشته در زندگی فرد اتفاق افتاده است می شود و سپس داده ها با هم جمع می شوند تا نمره کلی LCU کلی به دست آید. این نمره نشانگر میزان استرس است که در طی ۲ سال بر فرد وارد شده است.

#### روایی و پایایی مقیاس استرس هولمز-راهه (سازگاری مجدد اجتماعی)

مقیاس هولمز-راهه از روایی ظاهری، محتوا، پیش بینی برخوردار است. برای تعیین پایایی مقیاس هولمز از روش تنصیف استفاده شده است، ضریب پایایی پرسشنامه هولمز-راهه با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ و اعتبار آن با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون برابر با (۰/۳۶) بوده است. در تحقیق حاضر، ضرایب پایایی پرسشنامه استرس (فشار روانی) با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه گردید که به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۶۴ می باشد که به طور کلی بیانگر ضرایب پایایی قابل قبول پرسشنامه یاد شده است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه استرس نمره آن را با نمره پرسشنامه استرس ادراک شده همبسته نمودیم و مشخص گردید که رابطه مثبت معنی داری بین آنها وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ( $r = 0/15$ ) که بیانگر برخورداری پرسشنامه استرس (فشار روانی) از اعتبار لازم می باشد.

1. Social Readgvt mene Ruhescalk (SRRS)

2. life chang units (lcu)

## روش اجرا

پس از کسب مجوزهای لازم و مشخص شدن اعضای نمونه و هماهنگی با مسئولین ذیربط، طبق برنامه ریزی قبلی، محقق پس از حضور اعضای نمونه و برقراری ارتباط و کاهش حساسیت آزمودنی ها راجع به پرسشنامه ها و دلایل انتخاب آنها در نمونه، توضیحات لازم از سوی محقق راجع نحوه تکمیل پرسشنامه ها ارائه گردیده و کارکنان اقدام به تکمیل پرسشنامه ها نموده اند. از آزمودنی ها خواسته شد اگر در تکمیل پرسشنامه ها با ابهامی مواجه شده از پژوهشگر بخواهند توضیح بیشتری بدهد. در خاتمه از همکاری کارکنان تقدیر و تشکر به عمل آمد.

## یافته های تحقیق

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر برای کلیه متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۳ نشان داده شده است.

## جدول ۳: میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی ها در متغیرهای تحقیق

تعداد	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	شاخص های آماری	
					آزمودنی ها	متغیر
۱۰۰	۶۴	۳۳	۶/۴۲	۴۷/۵۲	کارکنان زن	ناتوانی هیجانی
۱۰۰	۶۸	۳۵	۶/۸۷	۵۰/۴۸	کارکنان مرد	
۲۰۰	۶۸	۳۳	۶/۸۰	۴۹	کل کارکنان	
۱۰۰	۲۵	۱۰	۳/۲۴	۱۸/۶۴	کارکنان زن	سبک دلبستگی ایمن
۱۰۰	۲۵	۷	۳/۱۴	۱۸/۶۵	کارکنان مرد	
۲۰۰	۲۵	۷	۳/۱۸	۱۸/۶۵	کل کارکنان	
۱۰۰	۱۹	۶	۲/۶۵	۱۲/۴۲	کارکنان زن	سبک دلبستگی دو سوگرا
۱۰۰	۱۸	۷	۲/۴۱	۱۲/۱۷	کارکنان مرد	
۲۰۰	۱۹	۶	۳/۵۳	۱۲/۳۰	کل کارکنان	
۱۰۰	۱۶	۴	۳/۰۴	۹/۷۹	کارکنان زن	سبک دلبستگی اجتنابی
۱۰۰	۱۸	۴	۳/۰۰	۹/۸۱	کارکنان مرد	
۲۰۰	۱۸	۴	۳/۰۱	۹/۸۰	کل کارکنان	
۱۰۰	۵۱۰	۱۰۰	۱۱۴/۰۶	۲۶۹/۳	کارکنان زن	استرس (فشار روانی)
۱۰۰	۴۰۵	۸۵	۸۲/۶۷	۲۳۱/۱۵	کارکنان مرد	
۲۰۰	۵۱۰	۸۵	۱۰۱/۱۸	۲۵۰/۲۳	کل کارکنان	

همان طوری که در جدول ۳ مشاهده می شود در متغیر ناتوانی هیجانی میانگین و انحراف معیار به ترتیب برای کارکنان زن ۴۷/۵۲ و ۶/۴۲، کارکنان مرد ۵۰/۴۸ و ۶/۸۷، در متغیر سبک دلبستگی ایمن، کارکنان زن ۱۸/۶۴ و ۳/۲۴، کارکنان مرد ۱۸/۶۵ و ۳/۱۴، در متغیر سبک دلبستگی دو سوگرا، کارکنان زن ۱۲/۴۲ و ۲/۶۵، کارکنان مرد ۱۲/۱۷ و ۲/۴۱، در متغیر سبک دلبستگی اجتنابی، کارکنان زن ۹/۷۹

و ۳/۰۴، کارکنان مرد ۹/۸۱ و ۳/۰۰ و در متغیر استرس (فشار روانی) میانگین و انحراف معیار به ترتیب برای کارکنان زن ۲۶۹/۳ و ۱۱۴/۰۶ و کارکنان مرد ۲۳۱/۱۵ و ۸۲/۶۷ می باشد.

**جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) بر روی میانگین نمره های ناتوانی هیجانی، سبک های دلبستگی و استرس (فشار روانی) کارکنان زن و مرد**

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	سطح معنی داری (p)
آزمون اثر پیلابی	۰/۰۸۲	۵	۱۹۴	۳/۴۸۶	۰/۰۰۵
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۹۱۸	۵	۱۹۴	۳/۴۸۶	۰/۰۰۵
آزمون اثر هتلینگ	۰/۰۹۰	۵	۱۹۴	۳/۴۸۶	۰/۰۰۵
آزمون بزرگترین ریشه روی	۰/۰۹۰	۵	۱۹۴	۳/۴۸۶	۰/۰۰۵

همان طوری که در جدول ۴ ملاحظه می شود سطوح معنی داری همه آزمونها، بیانگر آن هستند که بین کارکنان زن و مرد از لحاظ حداقل یکی از متغیرهای وابسته (ناتوانی هیجانی، سبک های دلبستگی و استرس) تفاوت معنی داری وجود دارد ( $F=۳/۴۸۶$  و  $p<۰/۰۵$ )، برای پی بردن به این تفاوت، پنج تحلیل واریانس یک متغیری در متن مانوا انجام شد که در جدول ۴ ارائه شده است.

**جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا بر روی میانگین نمره های ناتوانی هیجانی، سبک های دلبستگی و استرس (فشار روانی) کارکنان زن و مرد**

گروه ها	میانگین	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری p
زن	۴۷/۵۲	ناتوانی هیجانی	۴۳۸/۰۸	۱	۴۳۸/۰۸	۹/۸۸	۰/۰۰۲
مرد	۵۰/۴۸						
زن	۱۸/۶۴	دلبستگی ایمن	۰/۰۰۵	۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰۱	۰/۹۸۲
مرد	۱۸/۶۵						
زن	۱۲/۴۲	دلبستگی دوسوگرا	۳/۱۲	۱	۳/۱۲	۰/۴۸۵	۰/۴۸۷
مرد	۱۲/۱۷						
زن	۹/۷۹	دلبستگی اجتنابی	۰/۰۲۰	۱	۰/۰۲۰	۰/۰۰۲	۰/۹۶۳
مرد	۹/۸۱						
زن	۲۶۹/۳	استرس (فشار روانی)	۷۲۷۷/۱	۱	۷۲۷۷/۱	۷/۳۳	۰/۰۰۷
مرد	۲۳۱/۱۵						

همان طوری که در جدول ۵ مشاهده می شود بین کارکنان زن و مرد از لحاظ ناتوانی هیجانی تفاوت معنی داری وجود دارد ( $F=۹/۸۸$  و  $p<۰/۰۵$ )، بنابراین فرضیه اول تأیید می گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین ها، کارکنان مرد (۵۰/۴۸) نسبت به کارکنان زن (۴۷/۵۲) از ناتوانی هیجانی بیشتری برخوردارند. بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دلبستگی ایمن تفاوت معنی داری مشاهده نمی شود ( $F=۰/۰۰۱$  و  $p<۰/۰۵$ )، در نتیجه فرضیه دوم تأیید نمی گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین ها،

کارکنان زن و مرد از سبک دلبستگی ایمن تقریباً یکسانی برخوردارند. بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دلبستگی دوسوگرا نیز تفاوت معنی داری مشاهده نمی شود ( $F=0/485$  و  $p<0/05$ )، بنابراین فرضیه سوم تأیید نمی گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین ها، کارکنان زن و مرد از سبک دلبستگی دوسوگرا تقریباً یکسانی برخوردارند همچنین بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دلبستگی اجتنابی تفاوت معنی داری وجود ندارد ( $p<0/05$  و  $F=0/002$ ) در نتیجه فرضیه چهارم تأیید نمی گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین ها، کارکنان زن و مرد از سبک دلبستگی اجتنابی تقریباً یکسانی برخوردارند بین کارکنان زن و مرد از لحاظ استرس (فشار روانی) تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p<0/05$  و  $F=7/33$ )، بنابراین فرضیه پنجم تأیید می گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین ها، کارکنان زن (۲۶۹/۳) نسبت به کارکنان مرد (۲۳۱/۱۵) استرس بیشتری را تجربه می کنند.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش مقایسه ناتوانی هیجانی، سبک دلبستگی و استرس در کارکنان مرد و زن شرکت ملی حفاری اهواز و یافتن تفاوت بین دو جنس از لحاظ متغیرهای ذکر شده در بالا بود. بر اساس یافته های حاصل از این پژوهش بین کارکنان مرد و زن از لحاظ ویژگی های ناتوانی هیجانی، تفاوت معنی داری مشاهده میشود به عبارت دیگر با توجه به میانگین های دو گروه کارکنان مرد ناتوانی هیجانی بیشتری را گزارش دادند که این نتایج با یافته های تحقیقات قبلی، موریگوچی و همکاران (۲۰۰۷)، ماتیلا و همکاران (۲۰۰۶)، گات من (۲۰۰۳)، لارسن و همکاران (۲۰۰۶)، حشمتی احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، بشارت (۱۳۸۶) همخوانی دارد. در تبیین این فرضیه می توان به مطالعه لوانت<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) اشاره کرد. لوانت مبدع نظریه «ناتوانی هیجانی مردانه هنجار شده»<sup>۲</sup> است. وی اظهار می کند ناتوانی هیجانی تبیین کننده یک الگوی اجتماعی محدود شده است که در بسیاری از مردان مشاهده کرده است. لوانت در دو تحقیق جداگانه بر روی نمونه ای از دانشجویان دانشگاه بوستون و مراجعین به کلینیک روان درمانی مشاهده نمود که پس از تلاش بسیار و جلسات درمانی متعدد، مردان توانستند عباراتی را در توصیف حالات هیجانی خود بکار گیرند. وی چنین فرض نمود که مردان دچار ناتوانی هیجانی احتمالاً در دوران کودکی از سوی والدین، دوستان، معلمین مدرسه و مریبان ورزشی به دلیل ابراز و صحبت کردن در مورد هیجانانشان طرد شده و یا حتی مواقعی تنبیه شده اند. از این رو آنها نیز دایره لغات و آگاهی خود را در مورد هیجانانشان رشد و بسط نداده اند (لوانت<sup>۳</sup>، هال<sup>۴</sup>، ویلیامز<sup>۵</sup> و حسن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹).

1. Levant
2. Normative Male Alexithymia
3. Levant
4. Hall
5. Williams
6. Hasan

مردان در ابراز و توصیف هیجاناتی که حسی از آسیب پذیری (مثل ناراحتی یا ترس) یا ابراز دل بستگی را القا می کند، کمبود و نقص بیشتری را نشان می دهند. با اینکه در برخی از موقعیت ها، هیجان مندی محدود شده تا اندازه ای انطباقی است، به ویژه در محیط های به شدت رقابتی، اما مردان مشکلات بارزی را در زندگی شخصی مانند دشواری های زناشویی، بیگانگی و غریبگی با فرزندان، سوء مصرف مواد مخدر، خشونت خانگی و اعتیاد جنسی، گزارش می کنند (لوانت و کوپکی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). در واقع تفکر معطوف به خارج در مردان بیشتر است. به عبارت دیگر مردان به ناتوانی هیجانی تمایل دارند توجه خود را بر محیط خارج متمرکز کنند (پارکر و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین پژوهش ها نشان داده اند افراد مذکر در بازشناسی هیجانی بدتر از افراد مونث هستند، چون شیوع و شدت ناتوانی در بین مردان نسبت به زنان بیشتر است (تودارلو<sup>۲</sup>، پورسلی<sup>۳</sup>، گرلیتی<sup>۴</sup> و بلومو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵).

مشاهدات بالینی لوانت با پارادایم «فشار نقش جنسی»<sup>۶</sup> (پلک<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵ و ۱۹۸۱) همخوانی دارد. طبق این رویکرد، نیروهای اجتماعی به طور مشخصی مردان را بر اساس تربیتی که در دوربری پذیرش هنجارهای مردانه سنتی دریافت کرده اند، شکل می دهد. پسر بچه هایی که تحت ایدئولوژی مردانگی سنتی بزرگ شده اند، به مردانی تبدیل می شوند که نقش های جنسیتی مردانه سنتی را تصدیق و با آن همنوایی می کنند (لوانت و همکاران، ۲۰۰۹).

فرضیه دوم. فرضیه دوم تحقیق، مبنی بر وجود تفاوت بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دل بستگی ایمن، با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از عدم وجود تفاوت معنی دار بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دل بستگی ایمن بود. بنابراین فرضیه اول مورد تأیید قرار نمی گیرد.

فرضیه سوم. فرضیه سوم تحقیق، مبنی بر وجود تفاوت بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دل بستگی دوسوگرا، نیز با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی از عدم وجود تفاوت معنی دار بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دل بستگی دوسوگرا بود. در نتیجه فرضیه سوم رد می شود.

فرضیه چهارم. فرضیه چهارم تحقیق، مبنی بر وجود تفاوت بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دل بستگی اجتنابی، نیز با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد تفاوت معنی داری بین کارکنان زن و مرد از لحاظ سبک دل بستگی اجتنابی وجود ندارد. بنابراین فرضیه چهارم نیز مورد تأیید قرار نمی گیرد.

به عبارت دیگر هیچ تفاوت معنی داری از نظر سبک های دل بستگی بین کارکنان زن و مرد وجود

1. Kopecky

2. Todarello

3. Porcelli

4. Grilletti

5. Bellomo

6. Gender Role Strain Paradigm

7. Pleck

نداشت. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های سن چاک و لئونارد (۱۹۹۱)، پیستول (۱۹۸۹)، بشارت (۱۳۷۹)، و (۲۰۰۳). رضازاده (۱۳۸۱)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۸۵)، حمیدی (۱۳۸۶)، مطا بقت دارد.

در تبیین این یافته باید ذکر کرد که یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های قبلی همسان با نظریه دلبستگی بزرگسالانند. سبک دلبستگی نظامی است که خود را در روابط عاشقانه بزرگسالان بروز می‌دهد (هازن و شیور، ۱۹۸۷). دلبستگی عبارت از پیوند یا رابطه هیجانی با یک فرد دیگر است. سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی روابط تأثیر می‌گذارد. مفهوم دلبستگی، هم برای زنان و هم برای مردان، از پاداش‌های ارتباط قلمداد می‌شود. در یک رابطه زناشویی، زن و مردی که دارای سبک دلبستگی ایمن باشند و از نظر این سبک دلبستگی تفاوت کمتری داشته باشند، بیشتر احتمال دارد که همدیگر را دوست داشته و خوش مشرب‌تر باشند، درماندگی خود را اعلام کنند، تقاضای حمایت کنند و به نحو سازنده‌تری احساسات منفی خود را در حل مسأله تعدیل کنند و در نهایت در حفظ روابط طولانی کوشش بیشتری به عمل می‌آورند. در مقابل هنگامی که زن و مرد دارای سبک‌های دلبستگی مخالف هستند (ایمن و نایمن) کمتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند و کمتر به ارضای نیازهای اساسی همدیگر از جمله آرامش، مراقبت و کامرواسازی جنسی توجه دارند. وسواس و مشغولیت ذهنی بیشتری در مورد شریک خود دارند، خصمانه‌تر هستند و کمتر به صحبت با یکدیگر می‌پردازند و در نتیجه تعهد کمتری نسبت به یکدیگر دارند. بنابراین، بیشتر احتمال دارد در جهت قطع این پیوند و در نهایت طلاق گام بردارند (شکر کن و همکاران، ۱۳۸۵).

در پژوهش حاضر ۸۴٪ از زنان و ۷۸٪ از مردان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. یک تبیین احتمالی می‌تواند سطح تحصیلات آزمودنی‌ها در این پژوهش باشد. شاید برخورداری از سطح تحصیلات بالا دلیلی بر عدم تأثیر گذاری متغیر جنسیت بر سبک دلبستگی آزمودنی‌ها باشد. فرضیه پنجم در این تحقیق همچنین بین کارکنان زن و مرد از لحاظ استرس تفاوت معنی داری مشاهده شد. و زنان استرس بیشتری را نسبت به مردان گزارش دادند. که این نتایج با نتایج قبلی پیلاز و همکاران (۲۰۰۳)، ماجاسکو و همکاران (۲۰۰۹)، پی تاسک و رونالد اسمیت (۲۰۰۷)، حمیدی و قریبی و بستان سرا (۱۳۸۱)، کلاتر احمدی (۱۳۷۵). همخوانی دارد.

در تبیین یافته حاصل از این پژوهش می‌توان به این مطلب اشاره کرد که مطالعات اخیر اهمیت تأثیر جنسیت بر استرس را به رسمیت شناخته‌اند و همواره حاکی از سطوح بالاتری از استرس مزمن و روزانه در زنان نسبت به مردان هستند (هوگان<sup>۱</sup>، کارلسون<sup>۲</sup>، و دائو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ تامرس<sup>۴</sup>، جانیکی<sup>۵</sup>

1. Hogan
2. Carlson
3. Dua
4. Tamres
5. Janicki



و هلگسون<sup>۱</sup>، (۲۰۰۲). زنان امروزه به دلیل پذیرفتن دو نقش همزمان در خانه و محل کار، فشار مضاعفی را نسبت به مردان متحمل می شوند و بیشتر از آنها علائم استرس را از خود بروز می دهند. محققان دانشگاه گوتنبرگ پرسشنامه هایی را در بین ۶۲۷ دانشجوی دختر و ۵۷۳ دانشجوی پسر، ۸۷۰ کارمند زن و ۸۳۴ کارمند مرد پخش کردند تا میزان استرس را در بین زنان و مردان بسنجند. این مطالعات نشان داد میزان شیوع استرس در زنان امروزی تقریباً دو برابر مردان است. در تحقیق دیگری مک دوناف<sup>۲</sup> و والترز<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نشان دادند که نمرات استرس در زنان ۲۳٪ بالاتر از مردان بود.

Archive of SID

1. Helgeson
2. McDonough
3. Walters

## منابع

- احمدی، بتول (۱۳۸۸). نقش ویژگی های شخصیتی، ناگویی خلقی در پیش بینی نشانه های آسیب شناسی روانی در بیماران مبتلا به افسردگی اساسی. مقاله تحقیقی علوم رفتاری دانشگاه اردبیل، شماره ۷ احمدی، محسن. حشمتی، رسول (۱۳۸۹). بررسی مقایسه ای ناگویی خلقی در بیماران مبتلا به اختلالات سایکوتیک و غیرسایکوتیک و افراد بهنجار - مقاله پژوهشی مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خ-برک، لورای ای. (۲۰۰۱).
- روان شناسی رشد (از لقاح تا کودکی). جلد اول. ترجمه ی سید مهدی، یحیی. (۱۳۸۰-۸۶). چاپ هشتم، تهران، انتشارات. ارسباران.
- برک، لورای ای (۲۰۰۱) روان شناسی رشد از جوانی تا پایان زندگی. جلد دوم. ترجمه سید مهدی، یحیی. (۱۳۸۶). چاپ نهم، تهران، نشر ارسباران.
- بشارت، محمد علی. شریفی، ماندانا. وایرونی، محمد (۱۳۸۴). بررسی سبک های دلبستگی و مکانیسم دفاعی - مجله روان شناسی و علوم تربیتی، شماره ۱۹.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۸). پایایی و اعتبار مشکلات بین شخصی (IIP-۱۲۷). فصلنامه دانشور. دانشگاه فردوسی
- حمیدی، فریده (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری، فصلنامه خانواده پژوهی بهار، ۳(۹)، ص: ۴۴۳-
- حکیم جوادی، منصور (۱۳۸۶). بررسی مقایسه رابطه ناتوانی هیجانی. استرس و دلبستگی در زوج های در شرف طلاق در شهرستان رشت. مقاله تحقیقی - پژوهشی دانشگاه گیلان.
- حشمتی، رسول. قربانی، نیما. رستمی، رضا. احمدی، محسن. اخوان، حمید (۱۳۸۹). بررسی مقایسه ای ناگویی خلقی در بیماران مبتلا به اختلالات سایکوتیک، غیر سایکوتیک و افراد بهنجار، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، دوره هفدهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۵۶-۶۱.
- رضازاده، محمدرضا (۱۳۸۱). رابطه سبک های دلبستگی و مهارت های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان شهر تهران. پایان نامه دکترای روان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران
- شکر کن، حسین. خجسته مهر، رضا. عطاری، یوسفعلی. حقیقی، جمال. شهنی بیلاق، منیژه (۱۳۸۵). بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بینهای موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی در اهواز، مجله علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱، ص ۱-۳۰.
- قربانی، نیما (۱۳۸۰). «مهندسی رفتار ارتباطی»، تهران، انتشارات سینه سرخ.
- گلی نژاد، محمد (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک های دلبستگی بین شخصی دانشجویان ساکن در خوابگاه های دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه تهران.

- Anne, - mc Donald culp, rexe nad others. (2005). Stress, marital atisfaction, and child care provi-  
sion by mothers of adolescent mothers: considerations to make when providing services. con-  
siderations to make when providing services. Department of teaching and learning principles,  
Unirersity of Central Florida.
- Bowlby, J.(1989).Attachment and loss: vol.3.loss. New York : books.da.
- Cohn, D.A.(1999 (. Child – mother of six – year old and social competence at school. Child devel-  
opment , 61, 152-162.
- Cohen, J. I. (2000) Stress and mental health: a biobehavioral perspective. Issues Health Nurs, 21:  
185–202. Ment
- Connelly, M., & Denney, D. R. (2007). Regulation of emotions during experimental stress in alexi-  
thymia. Psychosomatic Review, 62(6), 649-56.
- Deborah serani, (2010). What is alexithymia. Jornal of psychology.
- Gachter, M, Torgler,B & Savage. D. A. (2009). Gender variations of physiological and psychologi-  
cal stress Among police officer. Quensland university of Technology.
- Guttman, H, L. (2002). Alportel. (2002). Alexithymia, cmpathy, and psychological symptoms in a  
family context.phycology reacerch.
- Junilla. K. L, Nico, B., Bermond, B. & Hijmn, R. (2002).Cognitive and emotional characteristics  
of alexithymia Areview of neurbiological studies. Department of Health Psychology, Utrecht  
university, University of Amsterdam
- Lee. Y., Yu, S. H., Cho, S. J., Cho, I. H., Koh, S. H., & Kim, S. J. (2010). Direct and indirect effects  
of the temperament and character on alexithymia: A pathway analysis with mood and anxiety.  
Comprehensive Psychiatry, 51 (2): 201-206.
- Le, H.N, Berenbaum, H, & Raghavan, C.(2002). Culture and a lexithyma:mean levels,correlates,and  
the role of parental socialization of emotion. Performing your original search Larsen, Junilla. K:  
strien,Strien,Tatjana van,Eisinga,Rob,Engels,Rutger C.M.E. (2006). Gender differences in the  
association between Alexithymia and emotional eating in obese individuals. Journal of phycho-  
somatic Research.
- Levant, R. F., Hall, R. J., Williams, C. M., & Hasan, N. T. (2009). Gender differences in alexithy-  
mia. Psychology of Men and Masculinity. Psychology of Men & Masculinity, 10 (3): 190–203
- Lin, S., Zhao, S. F., & Yan, F. H. (2005). The influence of alexithymia in stress on secretory IgA and  
cortisol in saliva. Psychological Review, 68(4), 345-356.
- Lin s hi. (2003). The Association between Adult Attachment style and conflict Resdution in Ro-  
mantic Relationships. The American Journal of family Therapy.
- Levant, R. (1992). Toward the reconstruction of masculinity. Journal of Family Psychology, 5. 402
- Levant, R. F., Hall, R. J., Williams, C. M., & Hasan, N. T. (2009). Gende differences in alexithy-  
mia. Psychology of Men and Masculinity, Psychology of Men & Masculinity, 10 (3): 190–203.
- Lin, S., Zhao, S. F., & Yan, F. H. (2005). The influence of alexithymia in stress on secretory IgA and  
cortisol in saliva. Psychological Review, 68(4), 345-356.
- Luminet, O. (2006). Alexithymia and level of processing: evidence for an overall deficit in remem-  
bering emotional words. J Res Personal, 40: 713- 733.
- Maja, M, Zlatka, M., S , Mijoc, P ,Damia karpljuk,Videmsek, M. (2009). Gender different in stress  
symptoms among Slovene manege. Scientific and Professional Journal.
- McDonough, P. & Walters, V. (2001). Gender and health: Reassessing patterns and explanations.  
Social Science and Medicine, 52, 547-559
- Mattila, A. K., Salminen, J. K., Nummi, T., & Joukamaa, M. (2006). Age is strongly associated

- with alexithymia in the general population. *Journal of Psychometric Research*, 61, 629 – 635.
- Muriguchi, Y., Maeda, M., Igarashi, T., Ishikawa, T., Shoji, M., Kubo, Ch., & Komaki, G. (2007). Age and gender effect on alexithymia in larg Japanese community and clinical samples: A cross – validation study of the Toronto Alexithymia Scale (TAS-20). *BioPsychoSocial Medicine*, 1-7.
- Mark, Cannelly. And others. (2007). Regulation of emotions during experimental estress in alexithymia. *Jornal of Physchosomatic Research*.
- M. Pilar Matud. (2004). Gender differences in stress and coping styles. *Facultad de psicologia. University DeLaLa Guna*
- Matsuoka, U, Hiramura. H, Chen, Z, Shikai, N, Kishida Y, & Kitamura, T. (2005). Adolescents attachment style and early experiences: a gender difference. *Department of clinical Behavior sciences*.
- Parker, D. A., Taylor, G., Bagby, R. M. (2001). The relationship between emotional intelligence and alexithymia. *Pers Individ Differ*, 30, 107-115.
- Parker, G. (1982). Parental representations and affective disorder: Examination for an hereditary link. *British Journal of Medical Psychology*, 55, 57–61.
- Parker, J. D. A., Taylor, G. K., & Bagby, R. M. (2003). The 20- item Toronto Alexithymia Scale-III: Reliability and factorial vialidity in a community population. *Journal of Psychosomatic Research*, 55, 269-275.
- Serani, D. (2010). What is "Alexithymia"? From <http://drdeborahserani.blogspot.com/2010/05/what-is-alexithymia.html>
- Taylor, G. J., & Bagby, R. M. (2000). An overview of the alexithymia construct In R. Bar-On, & J. D. A. Parker. *The Handbook of emotional intelligence*. Jossy-Bass.

Archive of SID

## Comparison of Alexithymia, Attachment Styles and Stress in Men and Women Employees in Ahvaz

\*A. Heydari

\*\*Z. Namjoo

### Abstract

The purpose of present study was investigating the comparison between alexithymia, attachment styles and stress in men and women employees in city of Ahvaz. The sample included 200 employees (100 men and 100 women) witch selected through simple random sampling. Toronto TAS20 Alexithymia Scale, Attachment Styles Questionnaire and Holmes and Rahe Stress Scale were used for collecting the data. Results of multivariate analysis of variance indicated that there was significant difference between men and women in alexithymia. Also significant difference was found between men and women in stress But in attachment styles there wasn't significant difference between men and women.

**Keywords:** Alexithymia, attachment styles, stress

---

\* Faculty member , Ahvaz branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

\*\* MA in Psychology, Ahvaz branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran